

راهبردهایی جهت بهبود سرمایه اجتماعی در ایران: رویکردی آینده‌پژوهانه با کاربست روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۶

حاکم قاسمی *

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۰

مهدی نیکویه **

شهریار شیرویه پور ***

چکیده

با افزایش پیچیدگی و عدم قطعیت در روندهای گوناگون جوامع انسانی، پیش‌بینی آینده از طریق تعمیم روندهای گذشته، فرآیندی غیرمنطقی و تقریباً غیرممکن به نظر می‌رسد. از این رو آینده‌پژوها به جای شناخت یک وضعیت از آینده به مطالعه آینده‌های بدیل روی می‌آورند و با ارائه راهبردهایی آینده‌محور در جهت ساخت آینده اقدام می‌کنند. هدف پژوهش حاضر تبیین و دسته‌بندی راهبردهای ارتقای سرمایه اجتماعی در چهار لایه لیتانی، اجتماعی، گفتمان و استعاره مبتنی بر روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها است. با نوآوری در این روش، می‌توان عوامل ریشه‌ای یک پدیده در چهار لایه را شناخته و از حال به آینده حرکت کرد. بدین ترتیب، پس از شناسایی و تبیین عوامل مؤثر بر آینده یک پدیده، می‌توان به تدوین راهبردهایی برای اقدام در زمان حال پرداخت و از آینده به حال حرکت کرد. در این تحقیق، پس از مرور ادبیات پژوهش، با تشکیل پنل خبرگان در چهار مرحله با حضور ۱۴ نفر به صورت آنلاین، علل اصلی کاهش سرمایه اجتماعی در چهار لایه شناسایی شد. در نتیجه، ۸ راهبرد در سطح نمادها و استعاره‌ها، ۱۳ راهبرد در سطح باورها و گفتمان‌ها، ۲۷ راهبرد در سطح ساختارها و ۳۱ راهبرد در سطح لیتانی ارائه شدند تا بتوان با کاربست این راهبردها در راستای افزایش سرمایه اجتماعی سیاست‌های لازم را تدوین و عملی نمود.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها، راهبرد پردازی، آینده‌پژوهی.

* دانشیار علوم سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین، ایران

** دکتری آینده‌پژوهی، مدرس دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین، ایران

(Mahdi.Nikooye@gmail.com)

*** دانشجوی دکتری آینده‌پژوهی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین، ایران

مقدمه

در دو دهه اخیر، سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از کانونی ترین مفاهیم ظهور و بروز یافته است. با وجود این، نگرش‌ها، دیدگاه‌ها و انتظارات گوناگونی را نیز دامن زده است. اهمیت و جایگاه سرمایه اجتماعی، با بررسی تعداد قابل توجه مقالات و پژوهش‌ها در این حوزه قابل درک است. امروزه دولت‌ها می‌توانند در تشکیل یا افزایش اشکال سودمند سرمایه اجتماعی نقش مؤثری را ایفا کنند. در مقابل عدم توجه کافی دولت‌ها بر آثار ناشی از وضع و اجرای سیاست‌های خاص بر ارتباطات اجتماعی و چگونگی انتقال منابع و قدرت میان اقشار و گروه‌های مختلف جامعه می‌تواند به سهولت سرمایه اجتماعی موجود را تحت تأثیر قرار داده و آن را از بین ببرد (عداریانی و همکاران، ۱۴۰۰).

جامعه‌شناسان عصر حاضر برای بررسی کمیت و کیفیت روابط اجتماعی از مفهوم سرمایه اجتماعی بهره گرفته‌اند. این مفهوم به طور کلی به روابط بین افراد، اصطلاحاً شبکه‌های اجتماعی و قوانین اعتماد متقابل بین افراد اشاره می‌کند (Fedor, 2019:65). اصطلاح سرمایه اجتماعی از اواخر دهه ۱۹۸۰ با کار بوردیو^۱ و کلمن^۲ محبوبیت پیدا کرد. بوردیو سرمایه اجتماعی را از سایر انواع سرمایه‌های اقتصادی، فرهنگی و نمادین متمایز می‌سازد و برای آن خصلتی ساختاری و تعاملاتی قائل است (Bourdieu, 1986). بوردیو سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از منابع بالقوه و بالفعلی می‌داند که در نتیجه داشتن شبکه‌ای از روابط نسبتاً نهادینه شده از آشنایی‌های متقابل افراد به دست می‌آید (جوکار، ۱۴۰۰: ۱۲۶). سرمایه اجتماعی بوردیو بر پیامدهای چنین ارتباطاتی در سطح فردی متمرکز بود، اما کلمن اهمیت کارکردی سرمایه اجتماعی را برای نتایج گروه‌های کوچک مانند خانواده‌ها و همچنین جایگاه آن در ساختارهای اجتماعی آشکار کرد (Rodgers et al., 2019). با توجه به تعاریف متنوع و مختلف از سرمایه اجتماعی در این پژوهش سرمایه اجتماعی به مجموعه توانمندی‌ها، دارایی‌ها و ارزش‌هایی اطلاق می‌شود که در مناسبات اجتماعی شکل می‌گیرد و با بهره‌گیری و استفاده از آن‌ها توانایی و کارایی برای تحقق اهداف و تأمین نیازها و پاسخ به تقاضاها فراهم و امکان پذیر می‌گردد (جوکار، ۱۴۰۰).

سرمایه اجتماعی، یکی از مهم‌ترین دارایی‌هاست که از شاخصه‌های رشد و توسعه هر

جامعه‌ای به شمار می‌آید و از رهگذر این سرمایه حیاتی است که انسجام، اعتماد متقابل و حسن اطمینان و همبستگی در جامعه فراهم می‌شود و هرگونه کاهش در آن، منجر به کاهش مشارکت‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی شهروندان می‌شود (صالحی امیری و امیر انتخابی، ۱۳۹۱، عذاریانی و همکاران، ۱۴۰۰).

در ارتباط با میزان سرمایه اجتماعی نتایج مطالعات داخلی حاکی از آن است که وضعیت سرمایه اجتماعی در کشور مطلوب نیست. بر اساس نتایج حاصل پیمایش ملی سرمایه اجتماعی در کشور در سال ۱۳۸۶، بر اساس نظرسنجی از شهروندان، ۳۹ درصد میزان سرمایه اجتماعی را کم، ۳۵ درصد میزان سرمایه اجتماعی را متوسط و ۲۶ درصد نیز میزان سرمایه اجتماعی را زیاد عنوان کرده‌اند (عبداللهی و موسوی، ۱۳۸۶). مطالعات دیگر نیز تقریباً همین نتیجه را تأیید می‌کنند و بیشتر بر سطح کم سرمایه اجتماعی در کشور تأکید داشته‌اند (محسنی تبریزی و آقا محسنی، ۱۳۸۹؛ نوغانی و همکاران، ۱۳۸۷؛ معمار زاده و همکاران، ۱۳۸۸؛ کامران و ارشادی، ۱۳۸۷؛ ملکی و نژاد سبزی، ۱۳۸۹؛ شیانی و همکاران، ۱۳۸۸؛ زاهدی و همکاران، ۱۳۸۸ و غفوری و جعفری، ۱۳۸۷). مطالعاتی که روند سرمایه اجتماعی را نیز بررسی کرده‌اند بر روند کاهشی سرمایه اجتماعی صحنه گذاشته‌اند (عبداللهی و موسوی، ۱۳۸۶؛ قاسمی و همکاران، ۱۳۸۵؛ سعادت، ۱۳۸۷؛ صفدری و همکاران، ۱۳۸۷ و سیاه‌پوش، ۱۳۸۷). همچنین، با بررسی پیشینه و مطالعات صورت گرفته، میزان سرمایه اجتماعی در بین سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۵ میان استان‌های مختلف در رتبه متوسط کشوری قرار داشته است (حسینی و همکاران، ۱۳۷۹؛ سعادت، ۱۳۸۰؛ عبداللهی و همکاران، ۱۳۸۵). در مطالعه غفاری (۱۳۹۴) که در سطح کشور صورت گرفته است، میزان سرمایه اجتماعی در استان‌های مختلف، در سال ۱۳۹۴ نسبت به سال ۱۳۸۵ افت فاحشی در رتبه‌بندی و وضعیت در کشور داشته است. به عنوان مثال، مطالعات غفاری (۱۳۹۴) نشان می‌دهد میانگین وضعیت سرمایه اجتماعی در استان قزوین نسبت به میانگین سرمایه اجتماعی در کشور (۲،۷۹) مقدار کمتری داشته و در استان قزوین این مقدار میانگین ۲،۶۶ بوده است که از لحاظ رتبه‌بندی در وضعیت مناسبی قرار نداشته است و تنها نسبت به ۵ استان مانند تهران، اصفهان و مازندران که وضعیتی مناسبی از لحاظ میانگین سرمایه اجتماعی ندارند وضعیت بهتری داشته است.

با وجود فواید اجتماعی عدیده بر میزان بالای سرمایه اجتماعی، پژوهش در موضوع

ارتقای سرمایه اجتماعی و راهبردهای بهبود در آن نابالغ و توسعه نیافته است. علی‌رغم اینکه طی دو دهه گذشته این مفهوم از اقبال خوبی در بین محققان برخوردار شده است؛ تحقیقات موجود در این حوزه اغلب به توصیف و تبیین برخی از ابعاد سرمایه اجتماعی، شناسایی عوامل مؤثر و سنجش وضعیت سرمایه اجتماعی اکتفا شده و برای ارائه راهبرد به منظور ارتقا و بهره‌مندی از منافع آن توجه چندانی صورت نگرفته است. حتی در پژوهش‌هایی که به ارائه راهبرد پرداخته شده است، این راهبردها بیشتر مبتنی بر بررسی روند گذشته بوده و بر اساس عوامل اصلی شکل‌دهنده آینده سرمایه اجتماعی نبوده است. پژوهش حاضر به دنبال آن است که خلأ تحقیقات علمی در زمینه تجزیه و تحلیل دلایل اصلی کاهش سرمایه اجتماعی با رویکرد آینده محور و ارائه راهبردهای متناسب جهت ارتقای آن را پوشش دهد. لذا نوشتار حاضر می‌کوشد به این سؤال پاسخ دهد که چرا سرمایه اجتماعی در ایران وضعیت مناسبی ندارد؟ و با اتکا به چه ملاحظات و راهبردهایی می‌توان به ارتقا سرمایه اجتماعی و خلق آینده‌های بدیل^۳ کمک کرد؟. بنابراین در پژوهش حاضر بر اساس روش و نظریه تحلیل لایه‌ای علت‌ها سعی شده است، عوامل مؤثر بر شکل‌گیری وضعیت کنونی سرمایه اجتماعی در ایران شناسایی شوند و سپس راهبردهایی آینده محور مبتنی بر عوامل مؤثر شناسایی شده در لایه‌های چهارگانه باهدف کمک به ارتقاء سرمایه اجتماعی پیشنهاد شود.

روش تحقیق

این تحقیق، وضعیت گذشته را برای دستیابی به شناخت لازم در رابطه با موضوع، با مدنظر داشتن جریان‌ها و روندهای موجود در عمق و گستره زیاد به‌دقت مورد مطالعه و بررسی قرار داده و مبتنی بر بررسی روند گذشته و وضع حال، به شناسایی عوامل و دلایل ریشه‌ای کاهش سرمایه اجتماعی در جامعه پرداخته است. در انجام این مطالعه ترکیبی از روشهای بررسی ادبیات پژوهش، پرسشنامه و پنل خبرگان مورد استفاده قرار گرفته است.

مراحل اصلی روش استفاده‌شده به شرح زیر می‌باشند:

گام اول: مطالعه اولیه و ارائه چارچوب روش‌شناختی پژوهش و بررسی روند گذشته و وضع حال با استفاده از پرسشنامه. روش مورد استفاده در این گام از یک‌سو اسنادی و

از سوی دیگر توصیفی و با استفاده از پرسشنامه پیمایش صورت گرفته است. در این گام با مطالعه ادبیات پژوهش، ابعاد و مولفه‌های سرمایه اجتماعی در سه سطح خرد، میانی و کلان مشخص شد. برای سنجش وضعیت کنونی سرمایه اجتماعی، پرسشنامه‌ای شامل ۲۰ مولفه در سه سطح در حجم نمونه‌ی ۲۲۶۶ نفری توزیع و داده‌ها جمع‌آوری شد. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS و در تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز روش توصیفی-تحلیلی مورد استفاده قرار گرفت.

گام دوم: کاربست روش تحلیل علی لایه‌ای در شناسایی عوامل ریشه‌ای موثر بر ارتقای سرمایه اجتماعی و تحلیل عوامل (شناسایی چهار لایه‌ی تحلیل CLA). روش تحلیل علی- لایه‌ای از لحاظ روش کیفی و از نظر رویکرد اکتشافی است. در این روش هر موضوع در چهار لایه با مختصات زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد (عنایت‌الله، ۱۳۸۸)

لایه لیتانی^۴ یا مسئله عینی که ناظر بر عینی‌ترین و آشکارترین سطح آینده است و فهم آن نیاز به مهارت‌های تحلیلی خاصی ندارد. سطح لیتانی واقعیت‌هایی را که اغلب به وسیله اخبار یا سایر رسانه‌ها برای اهداف سیاسی و اغلب اغراق‌آمیز ارائه می‌شوند، شناسایی می‌کند (قنبری، ۱۳۹۴)

لایه نظام‌های علی^۵ که ناظر بر نظام‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و تاریخی است. سازمان‌ها و موسسه‌های حوزه سیاست‌گذاری در این سطح به تحلیل علمی و کارشناسانه رخدادهای آینده می‌پردازند و نتایج آن را در قالب گزارش‌هایی در سراچه‌ها، روزنامه‌ها و نشریه‌ها انتشار می‌دهند. در این لایه، نقش دولت و سایر کنشگران و خبرگان دانشگاهی پررنگ می‌شود (Hoffman, 2012).

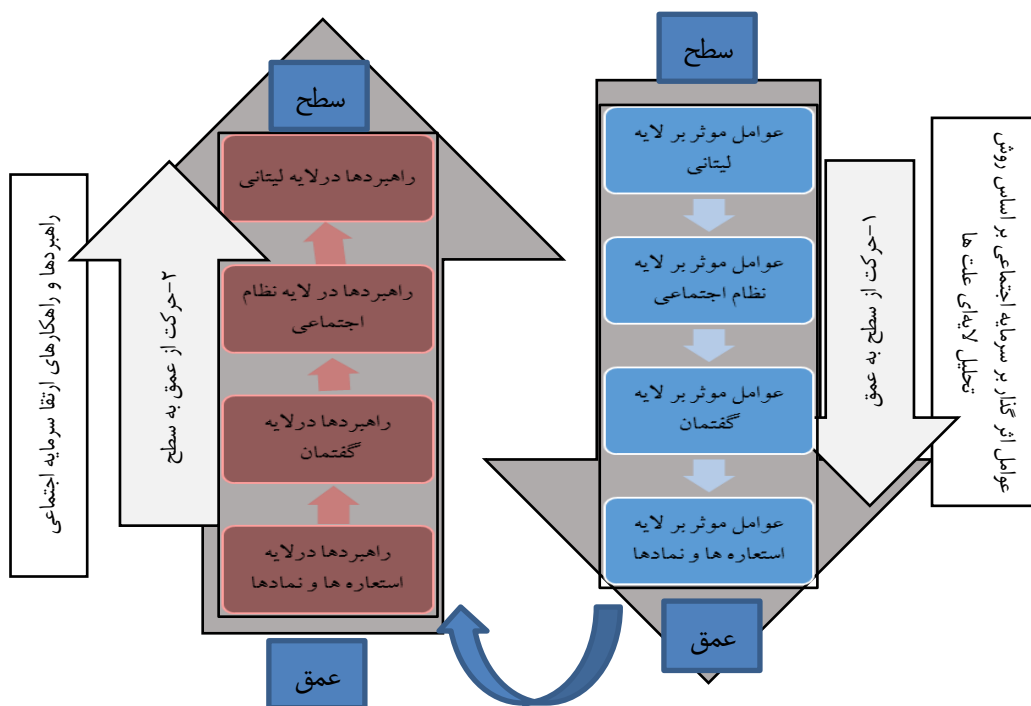
لایه سوم؛ لایه جهان‌بینی^۶ و گفتمانی نام دارد که علاوه بر پرداختن به دعاوی معرفتی مرتبط با آینده، در صدد مشروعیت بخشی به این دعاوی است و به دنبال شکل‌دهی علت‌های اجتماعی ایجادکننده مسئله عینی در لایه اول است (Inayatullah, 2013). مهم‌ترین ویژگی بارز در این سطح در اصل بررسی ریشه‌های عمیق دیدگاه‌ها و باورهای شکل‌دهنده دو سطح قبلی است. در این سطح تأکید بر شناسایی و کشف گفتمان‌های گوناگونی است که آینده را شکل می‌دهند (Hoffman, 2012).

لایه چهارم، لایه اسطوره‌ها و استعاره‌ها است. این اسطوره‌ها و استعاره‌ها کاملاً به صورت ناخودآگاه باعث ایجاد گفتمان‌ها و جهان‌بینی غالب که باعث ایجاد علت‌های

اجتماعی در سطح دوم و مسئله عینی در سطح اول می‌شوند. تصویرهای ذهنی عمیق و داستان‌های نهفته شکل‌دهنده آینده در این سطح بررسی می‌شوند (عنایت‌الله، ۱۳۸۸: ۱۰).

با توجه به رویکردی که این روش به شناسایی عوامل کلیدی و بنیادی مؤثر بر یک پدیده در چهار لایه دارد، در این گام، بعد از شناسایی و انتخاب اعضای پنل، ابتدا گزارشی از نتایج سنجش سرمایه اجتماعی در اختیار خبرگان قرار داده شد و سپس با تشریح و توصیف روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها، نظرات خبرگان در سه پنل مجزا (هر پنل با فاصله‌ی دو هفته) از طریق جلسات آنلاین دریافت شد. در پنل اول با نظر خبرگان ابتدا عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی در ۴ لایه‌ی مطرح در روش تحلیل علی- لایه‌ای، دسته بندی، شناسایی و تحلیل شدند. در پنل دوم، ظرفیت‌ها و محدودیت‌های موجود برای ارتقای سرمایه اجتماعی در هر لایه مشخص شدند. در نهایت در پنل سوم، راهبردهایی در هر چهار سطح روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها با نظر خبرگان منتخب ارائه شدند. اعضای پنل شامل خبرگان، متخصصان و اساتید حوزه‌های مختلف شامل آینده پژوهی، علوم اجتماعی، علوم پزشکی، سیاست‌گذاری، علوم اقتصادی، جامعه‌شناسی، مدیریت بودند.

گام سوم: ارائه راهبردهای پیشنهادی (با توجه به چهار لایه شناسایی‌شده و با اتکا بر ظرفیت‌ها)



شکل ۱. چارچوب روش پژوهش با استفاده از روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها

عطف به چارچوب روش شناختی پژوهش و مبتنی بر نظریه و روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها (در شکل زیر)، برای شکل دادن وضعیت مطلوبی در آینده قبل از تلاش برای ساختن وضع مطلوب در آینده، شناختن دقیق وضع موجود ضروری است. شناخت دقیق وضع موجود می‌تواند پایه محکم و استواری باشد برای بنا کردن آینده مطلوب بر آن. بر اساس این روش و نظریه برای شناختن وضع موجود مطالعه و پژوهش از لایه عینی آغاز می‌شود.

در توصیف این چارچوب روش پژوهش باید اشاره کرد که پژوهش‌گر با شناخت لایه عینی یک به یک لایه‌ها را مطالعه می‌کند و پشت سر می‌گذارد تا به عمیق‌ترین لایه‌ها برسد. منطق این روش و فرضی که بر آن استوار است این است که صورتی در زیر دارد آنچه در بالاست؛ یعنی هر لایه‌ای که مطالعه می‌کنیم و علل و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری یک وضعیت را در آن لایه پیدا می‌کنیم باید دریابیم که چه علل و عواملی، آن لایه

رویی را شکل داده‌اند؛ بنابراین به مطالعه لایه‌های عمیق‌تر می‌پردازیم و از لایه عینی (لیتانی) به لایه سیستمی، از لایه سیستمی به لایه گفتمانی و از لایه گفتمانی به لایه نماد، استعاره و اسطوره می‌رسیم.

اما برای ساختن وضع مطلوب (در این پژوهش ارتقاء سرمایه اجتماعی) بر اساس راهبردها و راهکارها حرکت از لایه زیرین آغاز می‌شود و به سمت لایه‌هایی رویی و عینی می‌آید. منطق و فرض مبنایی این حرکت آن است که تا زمانی که لایه‌های عمیق و ژرف اصلاح نشده است نمی‌توان در لایه‌های سطحی و عینی تغییر ایجاد کرد. اگر بناست سرمایه اجتماعی ارتقاء یابد لازم است علل و اسباب آن در لایه‌های زیرین فراهم گردد و بر پایه آن‌ها لایه‌هایی رویی شکل داده شود؛ یعنی باید نمادها و استعاره و اسطوره‌هایی که موجب کاهش سرمایه اجتماعی شده اصلاح شود و نمادها، استعاره‌ها و اسطوره‌هایی موجب تقویت سرمایه اجتماعی می‌گردد جایگزین آن‌ها شوند. سپس باورهای مخرب سرمایه اجتماعی اصلاح و با باورهای مقاوم سرمایه اجتماعی جایگزین گردد. بعد از آن علل سیستمی تضعیف‌کننده سرمایه اجتماعی مرتفع گردد و با اصلاح ساختارها و سیستم‌ها راه تقویت سرمایه اجتماعی در پیش گرفته شود؛ و آنگاه برای اصلاح روندها، عملکردها و ابزارها اقدام شود. لذا نوآوری روش‌شناختی این پژوهش در اصل شناسایی عوامل مؤثر بر آینده سرمایه اجتماعی مبتنی بر حرکت از لایه‌های سطحی به سمت لایه‌های عمیق شکل‌دهنده این پدیده و سپس ارائه راهبرد مبتنی بر حرکت از لایه‌های عمیق به سمت لایه‌های سطحی است.

اگرچه در عمل ممکن است راهبردهایی که برای تأثیرگذاری در هر یک از لایه‌ها بکار گرفته می‌شود هم‌زمان و به موازات هم اجرایی شود، اما فرض آن است که تا نمادها و استعاره‌ها و یا باورها و گفتمان‌ها اصلاح نشود، اصلاح ساختارها و دستگاه‌ها، یا روندها، عملکردها و ابزارها مقدور نبوده و اثرگذار نخواهد بود. بر این اساس ضروری است پیش و بیش از هر چیز برای اصلاح نمادها و استعاره‌ها و باورها اقدام شود و بر پایه آن اصلاح در لایه سیستمی و عملکردی هم در دستور کار قرار گیرد.

یافته‌های پژوهش

الف- بررسی وضع موجود سرمایه اجتماعی

در این پژوهش ابتدا برای تعیین وضعیت سرمایه اجتماعی ضمن بررسی مبانی نظری سرمایه اجتماعی، با افکار سنجی سعی شد وضعیت سرمایه اجتماعی مشخص شود. با مرور پژوهش‌های پیشین مشخص شد که سرمایه اجتماعی پایین تر از حد متوسط قرار دارد. با این پژوهش نیز با بررسی سرمایه اجتماعی در سه سطح کلان، میانی و خرد، مشخص شد تنها میانگین سرمایه اجتماعی در سطح خرد مقدار کمی بالاتر از حد متوسط قرار دارد و در دو سطح کلان و میانی پایین تر از حد متوسط است، و در مجموع سه سطح نیز میانگین سرمایه اجتماعی پایین تر از حد متوسط قرار دارد. بنابر این با توجه به نتایج پژوهش‌های پیشین و تایید آنها در پژوهش حاضر می‌توان گفت سرمایه اجتماعی در جامعه وضع مناسبی ندارد، و تلاش برای ارتقاء آن ضروری است

ب- شناسایی و دسته‌بندی عوامل مؤثر در ۴ لایه (گذار از حال به آینده)

بر اساس روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها در چهار لایه عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی با برگزاری نشست‌های خبرگانی یک به یک لایه‌ها از سطح به عمق بررسی شدند و عوامل مؤثر بر وضع کنونی سرمایه اجتماعی در هر یک از لایه‌های مختلف (لیتانی، ساختارها، جهان‌بینی و نمادها) معرفی شدند که در ادامه این عوامل در جداولی ذکر شده است.

لایه عینی: در اینجا به برخی از این عوامل که در شکل‌گیری وضعیت نامناسب

سرمایه اجتماعی مؤثرند پرداخته شده که در جدول زیر به آن‌ها اشاره شده است.

لایه نظام‌ها و ساختارها: اگر در لایه سطحی و عینی ما شاهد بروز رفتارهایی هستیم باید ریشه آن‌ها را در یک لایه عمیق‌تر یعنی در نظام‌ها و ساختارها جستجو کنیم. در اینجا برخی از وضعیت‌های سیستمی و ساختاری که تأثیر منفی بر سرمایه اجتماعی دارند معرفی می‌شوند.

جدول ۱. عوامل مؤثر در سطح عینی

عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی در سطح عینی	
فقدان اجماع نخبگانی و نداشتن چشم‌انداز واحد	تأثیر مشکلات سطح کلان
تداوم و استمرار مشکلات اقتصادی	محدودیت منابع و اعتبارات
شکاف‌ها و منازعات سیاسی	افزایش و گسترش مشکلات اجتماعی
فقدان مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی	افزایش نارضایتی
نارضایتی از سرعت و کیفیت ارائه خدمات	عدم رضایت از خدماتی که ارائه می‌شود
عدم تناسب بین کیفیت محصول و قیمت آن	عدم درک متقابل و برآورده نشدن انتظارات و تقاضاها
فقدان صبوری و بردباری متقابل	ضعف خدمات پس از فروش
حلقه مفقوده نظارت و ارزیابی درون‌سازمانی	سیاست‌ها و رویه‌های متفاوت سازمان‌ها در ارائه خدمت
گسترش روحیه بی‌تفاوتی	فقدان آموزش مناسب و آگاهی
ضعف همبستگی اجتماعی به علت وجود شکاف‌های اجتماعی	فقدان حس مسئولیت و احساس تعهد اجتماعی
فقدان نشاط اجتماعی و احساس نارضایتی از زندگی	فقدان حس بومی‌گرایی

جدول ۲. عوامل مؤثر در سطح ساختارها و سیستم‌ها

عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی در سطح ساختارها و سیستم‌ها	
تمرکزگرایی و سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی متمرکز	ارتباط سیستمی بین استان‌ها و نظام کلان جامعه
بحران مرحله گذار: بر هم خوردن وفاق مبتنی بر سنت‌ها و شکل نگرفتن وفاق اجتماعی	فقدان ارتباط ساختاری و نظام‌مند بین مردم با قانون‌گذاران، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان
ساختار حکمرانی چندپاره	ساختار فرهنگی-اجتماعی ناهمگن
ساختار اقتصادی معلق بین اقتصاد دولتی و ساختار اقتصاد آزاد	ساختار اقتصادی ناهمگن
فقدان ساختار قدرتمند حمایت از کسب‌وکارها و استارت‌آپ‌ها	غیبت سرمایه اجتماعی در اسناد و نظام برنامه‌ریزی
عدم شفافیت در ادارات و فرایندهای خدمت‌رسانی	ساختارها و دستگاه‌های پیچیده و دست و پاگیر اداری
نامشخص بودن تکالیف و وظایف کارکنان در ادارات و سازمان‌ها	ضعف روابط درون‌سازمانی بین کارکنان
یک‌طرفه بودن رابطه در سیستم تولیدکننده و مصرف‌کننده	شکاف سیستمی بین ارائه‌کننده خدمت و دریافت‌کننده
انعطاف‌ناپذیری سیستمی	فقدان یکپارچگی سیستمی و همکاری بین بخشی
ضعف ساختارهای تعاونی	فقدان ساختارهای جدید اجتماعی با هویت
فقدان ساختارهای مشارکت مردم در امور اجتماعی	فقدان نظام تأمین اجتماعی قدرتمند
فقدان شبکه‌های ارتباطی در جامعه بین مردم، نخبگان، متخصصین و مسئولین	

لایه گفتمان‌ها و باورها: در جدول زیر به بخشی از باورها که تأثیرات منفی عمیقی بر سرمایه اجتماعی دارند پرداخته می‌شود.

جدول ۳. عوامل مؤثر در سطح گفتمان‌ها و باورها

عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی در سطح گفتمان‌ها و باورها	
باور به وجود فساد فراگیر	باور به وجود ظلم و فقدان عدالت
باور به ناکارآمدی ساختارها	باور به عمل نکردن به وظایف و تعهدات
باور به ارجحیت منافع شخصی بر منافع جمعی	باور به عدم صداقت و رواج دروغ‌گویی در جامعه
باور به بدتر شدن وضع در آینده	باور به قانون‌گریزی
ضعف گفتمان حقوق شهروندی	باور به وجود ناامنی
باور به وقت‌گذرانی کارکنان در ادارات	ضعف گفتمان کار و خدمت
شکل نگرفتن گفتمان هویت و منافع جمعی	باور به غلبه رقابت بر همکاری و تعاون در جامعه

لایه نمادها و استعاره‌ها: روش و نظریه تحلیل لایه‌ای قائل به این است که انسان‌ها در هنگام اقدام و عمل و برای بروز دادن کنش یا واکنشی معمولاً به سمبل‌ها و نمادهای ذهنی که در طی سال‌ها در ذهن رسوب کرده‌اند رجوع و منطبق بر آن عمل می‌کنند. برخی از آن‌ها که به کلیت جامعه و دولت و یا به بخشی از جامعه و یا سازمان‌ها و نهادهای خاص اشاره دارند در جدول زیر در این لایه مشخص شده است.

جدول ۴. عوامل مؤثر در سطح نمادها و استعاره‌ها

عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی در سطح نمادها و استعاره‌ها	
جدایی دولت از مردم	دولت مسئول مسائل ریزودرشت جامعه
سازمان‌ها و ادارات کارگزار دولت نه خادم مردم	دولت نماد ناکارآمدی و ضعف
سال‌به‌سال بدتر از این	اصل بر فساد به‌جای اصل بر برائت
بخور بخوره: اصل می‌شود اینکه اگر نخوری می‌خورند	کی به کیه تاریکیه: اشاره به فقدان نظارت و ارزیاب
کار مال تراکتور است	رابطه به‌جای ضابطه
باندبازی	بند پ: حل مسائل از طریق پارتی‌بازی
قوم‌و‌خویش‌بازی	ژن خوب
جنس خوب یعنی جنس خارجی	برند خارجی نشانه شخصیت
دزد و ناظر دستشان تو یک کاسه است	رسانه میلی (استعاره‌ای برای رسانه ملی)
بیمارستان را کشتارگاه یا قصاب‌خانه توصیف کردن	دزدبازار
فردگرایی به‌جای جمع‌گرایی	الگوهای مثبت به‌عنوان استثنا

ج- راهبرد پردازی برای ارتقای سرمایه اجتماعی (گذار از آینده به حال)
راهبرد پردازی یکی از مراحل اساسی در فرایند تلاش برای رسیدن به هدف محسوب می‌شود و آینده‌پژوهی تلاشی برای عملیاتی کردن ایده‌ها برای ساخت آینده مطلوب است. در این مرحله تلاش می‌شود تا گام‌هایی که باید برای ساختن آینده مطلوب برداشته شود مشخص گردد. در یک راهبرد کلان برای رسیدن به هدف هفت عامل تعیین‌کننده وجود دارد. این هفت عامل مشخص عبارت‌اند از:

۱- وضع موجود و نقطه‌ای که در آن ایستاده‌ایم: سرمایه اجتماعی پائین تر از متوسط.

۲- هدف و وضعیتی که بناست به آن برسیم: ارتقا سرمایه اجتماعی به گونه‌ای که به بالای متوسط برسد.

۳- نیروها و کنشگرانی که بناست دست به اقدام و عمل بزنند: مجموعه سازمان‌ها، ادارات و دستگاه‌های رسمی و غیررسمی.

۴- ذینفعانی که در فرایند اجرای راهبرد درگیر می‌شوند: مردم و نیروهای ادارات و سازمان‌های رسمی و غیررسمی و سازمان‌ها و دستگاه‌های مرتبط در سطح کلان.

۵- مسیر و خط سیری که باید دنبال شود: حرکت از لایه‌های ژرف و عمیق استعاره‌ها و گفتمان‌ها به سمت لایه‌های سیستمی و عینی و با یکپارچگی و هماهنگی تمامی نیروها، سازمان‌ها و ذینفعان.

۶- ابزارها و وسایلی که باید بکار گرفته شوند: مجموعه ابزارها و امکانات و ظرفیت‌های مادی و معنوی موجود.

۷- زمان‌بندی و دوره انتظار: بلندمدت.

با توجه به منطق و فرض‌بنیادی روش و نظریه تحلیل لایه‌ای علت‌ها، در این پژوهش که مدل مفهومی آن بر اساس این روش و نظریه شکل‌گرفته است، در ارائه راهبردهای ارتقاء سرمایه اجتماعی و عملیاتی کردن آن‌ها به ترتیب زیر عمل می‌شود:

راهبردهای معطوف به اصلاح نمادها و استعاره‌ها

- راهبرد اجماع‌سازی و ایجاد چشم‌انداز واحد درباره آینده و نمادسازی درباره این چشم‌انداز (فقدان اجماع و چشم‌انداز واحد درباره آینده از عواملی است که تأثیر منفی بر سرمایه اجتماعی دارد. این عامل ناشی از واگرایی و عدم یکپارچگی بین ذینفعان و دستگاه‌ها است. تبدیل کردن این واگرایی به همگرایی و عدم یک‌پارچگی به یکپارچگی ضرورتی است که با بکار بستن راهبردی همه‌جانبه‌نگر و بلندمدت امکان‌پذیر است).
- راهبرد مثبت‌اندیشی و تصویرسازی مثبت از آینده (چشم‌انداز‌سازی و تصویرپردازی مثبت از آینده راهبردی است که می‌تواند امید، انگیزه، نشاط و تحرک و پویایی را به جامعه تزریق کند و از این طریق ارتقاء سرمایه اجتماعی را موجب گردد).
- راهبرد بی‌اعتبار‌سازی و از رونق انداختن نمادها و استعاره‌هایی که رواج آن‌ها تأثیر منفی بر سرمایه اجتماعی دارد (برای عملیاتی شدن این راهبرد از یک‌سو می‌توان به نفی نمادها و استعاره‌های منفی پرداخت و از سوی دیگر با بکار بردن استعاره‌های مثبت متقابل با استعاره‌های منفی، آن‌ها را بی‌اعتبار کرد. مثلاً استعاره حبیب‌الله درباره بازاری و کسبه را در مقابل دزدبازار و یا استعاره دارالشفا درباره بیمارستان‌ها را در مقابل استعاره‌هایی مانند کشتارگاه یا قصاب‌خانه بکار برد).
- راهبرد ترویج و برجسته‌سازی نمادها و استعاره‌های مثبت موجود که ظرفیت تولید و تقویت سرمایه اجتماعی را دارند (در این راهبرد از استعاره‌هایی مانند دروازه بهشت، شهر امن و ... می‌توان بهره‌گرفت و از شهر و مناسبات درون‌شهری تصویری مثبت ترسیم کرد).
- راهبرد احیاء، انتشار و فراگیر‌سازی نمادها و استعاره‌های سنتی و بومی که فراموش شده‌اند برای جایگزین کردن آن‌ها به جای استعاره‌های منفی و یا بی‌اثر سازی آن‌ها (به‌عنوان مثال استعاره «سرمایه جاودانی» که این روزها کمتر بکار برده می‌شود به‌ویژه از سوی نسل جوان، احیا و انتشار یابد که استعاره «کار مال تراکتور است» را خنثی و بی‌اثر کند).

- راهبرد خلق، تکثیر و انتشار نمادها و استعاره‌های جدید مثبت درباره مؤلفه‌های مختلف سرمایه اجتماعی (در این راهبرد با اتکا بر خلاقیت و نوآوری و متناسب با شرایط موجود جامعه در بخش‌ها و حوزه‌های مختلف نمادسازی می‌شود و تلاش می‌شود تا با جای دادن این نمادها در اذهان نگرش مثبت شکل بگیرد. مثلاً اعتماد حاصل شود، مشارکت رقم بخورد و امید و نشاط در جامعه پراکنده شود و یا ...).
- راهبرد الگوسازی و معرفی آن‌ها به جامعه (در این راهبرد با توجه به ظرفیت‌ها، مشاهیر، نخبگان و ویژگی‌های خاص استان‌ها باید تلاش در هر حوزه و بخشی ستاره‌سازی شود و به‌عنوان الگو معرفی شوند).
- راهبرد برند سازی به‌ویژه در بخش اقتصادی (با توجه به ظرفیت‌های در حوزه‌های فرهنگی، اقتصادی، گردشگری برند سازی و معرفی برند می‌توانند در جلب اعتماد و ترسیم چهره مثبت از استان‌ها بسیار مؤثر واقع شوند).

راهبردهای معطوف به اصلاح باورها و گفتمان‌های رایج در جامعه

- با بررسی علل و عوامل مؤثر بر وضعیت کنونی سرمایه اجتماعی مشخص شد، باورها و نگرش‌های منفی مختلفی وجود دارد که تأثیر منفی بر سطوح مختلف سرمایه اجتماعی دارند. برخی باورهای منفی درباره سطح کلان سرمایه اجتماعی بود، برخی درباره سطح میانی سرمایه اجتماعی و برخی سطح خرد. نکته مهم این است که برخی این باورها لزوماً واقعیت عینی و بیرونی ندارند اما در سطحی گسترده رواج دارند. برخی از این باورها در نتیجه تبلیغات و تصویرسازی‌های منفی رسانه‌ها شکل گرفته‌اند؛ یعنی برداشت‌ها و باورهای ذهنی هستند که در اذهان شکل گرفته‌اند. از این‌رو در صورت تلاش برای اصلاح، ذهنیت‌ها و برداشت‌های ذهنی قابل تغییرند. متناظر با وضع موجود سرمایه اجتماعی و عوامل اثرگذار بر آن‌ها برخی از راهبردها در لایه گفتمانی که می‌توان از آن‌ها برای بهبود و ارتقاء سرمایه اجتماعی استفاده کرد به شرح زیر است:
- راهبرد ترویج باور و گفتمان کارآمدی دولت و نظام برای حل مشکلات و ساخت جامعه مطلوب.
 - راهبرد ایجاد گفتمان قانون‌گرایی و باور به وجود قانون‌گرایی در جامعه.

- راهبرد کاهش ادراک فساد و باور به نابرابری و تبعیض در عملکرد نهادها و سازمان‌های استانی و ملی.
- راهبرد کاهش احساس وجود ناامنی در جامعه و ایجاد باور به توانمندی برای ساخت جامعه امن و آرام.
- راهبرد امیدآفرینی و ایجاد امید به آینده بهتر.
- راهبرد طراحی نظام اخلاقی متناسب با تغییرات و تحولات اجتماعی و گفتمان سازی برای ترویج و تثبیت ارزش‌های اخلاقی و هنجارهای ارزشی در جامعه و سازمان‌ها.
- راهبرد ایجاد گفتمان هویت و منافع جمعی و ایجاد باور به وجود منافع مشترک و جمعی در کنار منافع فردی و گروهی.
- راهبرد ایجاد و تقویت گفتمان خدمت به مردم و تبدیل کردن آن به یک ارزش اجتماعی و فرهنگ سازمانی.
- راهبرد ایجاد تصویر و ذهنیت به روابط فرا سازمانی (عاطفی) برای خدمت‌رسانی و حل مشکلات سازمان‌ها و مردم.
- راهبرد ترویج گفتمان حقوق شهروندی و ایجاد آگاهی نسبت به حقوق و وظایف شهروندان و فرهنگ شهرنشینی.
- راهبرد ایجاد و ترویج گفتمان مشارکت در امور اجتماعی، اعم از سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ... (از تدوین قوانین و قواعد حمایت از مشارکت مردم در امور اجتماعی تا فراهم کردن امکان اجرایی شدن آن و اعمال تشویق‌ها و سیاست‌های حمایتی لازم).
- راهبرد ایجاد تصویر و ذهنیت به کیفیت کالا و خدمات داخلی و خلق و ترویج گفتمان مصرف کالای داخلی.
- راهبرد ایجاد باور به توانمندی‌های مردم استان‌ها و تقویت اراده لازم برای استفاده از امکانات و ظرفیت‌های استان‌ها برای رفع مشکلات و توسعه و پیشرفت.

راهبردهای معطوف به اصلاح ساختارها و سیستم‌ها

در بررسی برای ارائه راهبرد در لایه ساختاری و سیستمی پیشنهادهای مختلفی از سوی خبرگان ارائه شد که هر یک از این راهبردهای پیشنهادی دریکی از این گروه‌ها جای می‌گیرند. راهبردهای ارائه‌شده به شرح زیر است:

- راهبرد پرداختن به سرمایه اجتماعی در اسناد و نظام برنامه‌ریزی و ارائه تجویزها برای تقویت مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی.
- راهبرد پیاده‌سازی پیوست نگاری فرهنگی متناسب با فرهنگ مذهبی و بومی باهدف هویت بخشی به ساختارهای اجتماعی جدید.
- راهبرد تمرکززدایی در جهت سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی متناسب با ویژگی‌های بومی.
- راهبرد کوچک‌سازی و چابک‌سازی سازمان‌ها و ادارات.
- راهبرد اصلاح و تقویت ساختارهای اقتصادی و ایجاد رابطه مکملیت بین بخش‌های مختلف اقتصادی.
- راهبرد ایجاد ساختار و تشکیلات حمایت قدرتمندانه از نوآوری، خلاقیت و کسب‌وکارهای جدید و استارت آپ‌ها.
- راهبرد ایجاد و تقویت ساختارهای خدمات پس از فروش و برقراری رابطه متقابل بین تولیدکنندگان و ارائه‌کنندگان کالا و خدمات با مصرف‌کنندگان.
- راهبرد ایجاد شبکه‌های ارتباطی نظام‌مند برای برقراری ارتباط بین بخش‌های مختلف مردم، متخصصین و مسئولین (اعم از قانون‌گذاران، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان).
- راهبرد تقویت ساختارهای اجتماعی با ایجاد سازگاری، همگرایی و تساهل بین قومی، زبانی و فرهنگی.
- راهبرد همسوسازی دوگانگی‌های حکمرانی در چارچوب قوانین.
- راهبرد اصلاح و شفاف‌سازی فرایندهای سازمانی ارائه خدمت در جهت تقویت اعتماد و رفع ادراک وجود فساد و تبعیض.
- راهبرد ایجاد ساختارها و شبکه‌های غیردولتی و تسهیل مشارکت‌های مردمی به‌عنوان ذینفعان در امور اجتماعی و سیاست‌گذاری و تدوین برنامه‌های مرتبط

(مانند تقویت سمن‌ها، خیریه‌ها، تشکل‌های داوطلبانه)

- راهبرد اصلاح پیچیدگی‌های ساختاری و سیستمی و کاهش فرایندهای دست و پاگیر بوروکراتیک جهت سرعت بخشی به فرایند ارائه خدمت.
- راهبرد توسعه و گسترش دولت الکترونیک و الکترونیکی شدن فرایند ارائه خدمت و اصلاح و تقویت پلتفرم‌های ارائه خدمات الکترونیک.
- راهبرد ایجاد ساختارهای همکاری بین بخشی و ایجاد یکپارچگی سازمانی جهت همگرا ساختن دستگاه‌ها و برنامه‌ها.
- راهبرد اصلاح فرایند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی جهت اتخاذ سیاست‌ها و برنامه‌های یکپارچه ملی باهدف پرهیز از بخشی‌نگری و انجام‌وظیفه و مأموریت‌های هر بخش در چارچوب طرح کلان و سیاست یکپارچه ملی.
- راهبرد شبکه‌سازی اطلاعاتی و ایجاد بانک‌های اطلاعاتی شبکه‌ای برای بهره‌برداری مجموعه دستگاه‌ها.
- راهبرد ایجاد و تقویت ساختارها و مکانیسم‌های جلب مشارکت، جهت استفاده و بهره‌برداری از مشارکت‌های مدنی و مردمی (اعم از مشارکت‌های مالی، فکری، تخصصی و فنی و ...).
- راهبرد ایجاد تشکیلات و شبکه‌های مردم‌نهاد برقرارکننده ارتباط متقابل سه‌جانبه (بین سازمان، دستگاه‌های دولتی و مردم). در این تشکیلات سه نوع ارتباط بین اعضای مرتبط در یک حوزه، ارتباط آن‌ها با دستگاه‌های دولتی و ارتباط با مردم ایجاد می‌شود (مانند طرح جامع سلامت برای توسعه).
- راهبرد تشکیل کارگروه‌های درون‌سازمانی برای ایجاد هم‌افزایی، تقویت ارتباط درون‌سازمانی و استفاده از خرد جمعی در جهت انجام وظایف و خدمت‌رسانی مناسب و کارآمد.
- راهبرد نظام‌سازی اجتماعی با استفاده از فضاهای عمومی و ایجاد و تقویت سرای محله‌ها با همکاری سازمان‌ها و ادارات مرتبط مانند شهرداری‌ها، ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی و ... جهت ایجاد و تقویت مشارکت و استفاده از امکانات مردمی.
- راهبرد تقویت شبکه‌های اجتماعی مذهبی (مساجد، هیئت، حسینیه‌ها،

- امامزاده‌ها ... و استفاده از کارکردهای اجتماعی آن‌ها برای ایجاد مشارکت، همبستگی و اعتمادسازی، ...
- راهبرد ایجاد، تقویت و تشویق و ترغیب اتحادیه‌ها، اصناف، انجمن‌های صنفی در حوزه‌های مختلف.
 - راهبرد احیا مراسم و آیین‌های سنتی و بهره‌برداری از آن برای تقویت همبستگی اجتماعی، ایجاد نشاط و اعتماد.
 - راهبرد ایجاد و توسعه اتحادیه‌های ورزشی با استفاده از ورزشکاران خوش‌نام جوان و پیشکسوت.
 - راهبرد ارتقاء سواد، مهارت و توانایی استفاده از سیستم‌های الکترونیکی و دریافت خدمات الکترونیک

راهبردهای معطوف به بهبود عملکردها و امکانات و ابزارها (سطح لیتانی)

- در این لایه راهبردها معطوف به اصلاح عملکردها، بهبود و ارتقاء ابزارها، به خدمت گرفتن بهینه امکانات در جهت رفع مشکلات است. در صورتی که موفقیت در این زمین‌ها حاصل شود موجب احساس رضایت، افزایش اعتماد و در نتیجه ارتقاء سرمایه اجتماعی می‌گردد. راهبردهای پیشنهادی در این زمینه به شرح زیر است:
- راهبرد جذب سرمایه بخش خصوصی برای جبران محدودیت منابع مالی و اعتبارات دولتی.
- راهبرد حمایت از کسب و کارها به‌ویژه کسب‌وکارهای نوپا و جدید و استارت‌آپ‌ها (با استفاده از امکانات و ظرفیت‌های موجود در بخش دولتی و بخش خصوصی و مردمی).
- راهبرد کم کردن فاصله طبقاتی و شکاف‌های اقتصادی در جامعه.
- راهبرد بهره‌مندی و استفاده از ظرفیت‌های بومی استان‌ها (ظرفیت‌های انسانی، مادی، طبیعی، ...) برای سرمایه‌گذاری.
- راهبرد مقابله با مشکلات اجتماعی (مانند اعتیاد، جرائم و ...).
- راهبرد معکوس کردن روند افزایش گرانی، تورم، بیکاری، کاهش ارزش پول ملی.
- راهبرد مبارزه با پارتی‌بازی، فساد، رشوه و رانت‌خواری.

- راهبرد ایجاد وفاق سیاسی و تلاش برای کاستن رقابت‌های مبتنی بر سو ظن و بدبینی و شکل دادن رقابت‌های سازنده.
- راهبرد هویت‌سازی و تلاش برای شکل دادن وفاق جمعی بر اساس هویت جمعی مشترک.
- راهبرد شناسایی توانمندی‌های استان‌ها و استعدادها در سازمان‌ها جهت به‌کارگیری آن‌ها برای رفع مشکلات.
- راهبرد بهره‌گیری از دانش روز و فناوری‌های نوین برای بهبود فرایند پاسخگویی و خدمت‌رسانی در سازمان‌ها و ادارات.
- راهبرد ایجاد و تقویت هنجارها و عملکردهای اعتماد ساز و اعتماد زا.
- راهبرد ایجاد شفافیت در فرایند کارها (و مشخص کردن حقوق و تکالیف مردم و سازمان‌ها).
- راهبرد کارآمد سازی روندها و الگوهای خدمت‌رسانی با استفاده بهینه از ظرفیت‌های سازمانی.
- راهبرد حل مشکلات و رفع محدودیت‌ها در حوزه خدمات‌رسانی (مثل آب‌رسانی، جاده‌ای)
- راهبرد آموزش مردم و کارکنان جهت آشنا کردن آن‌ها با حقوق و تکالیف متقابل یکدیگر.
- راهبرد افزایش کیفیت کالا و خدمات و متناسب‌سازی قیمت‌ها.
- راهبرد آموزش و فرهنگ‌سازی برای افزایش صبوری و بردباری و بالا بردن آستانه تحمل طرف مقابل در رابطه بین مردم و کارکنان سازمان‌ها و دستگاه‌ها.
- راهبرد یکسان‌سازی اقدامات در سازمان‌ها برای ارائه یک خدمت مشابه (مثال رویه متفاوت سازمان‌های آب، برق، گاز، مخابرات و ... درباره حذف قبض کاغذی) در جهت کم کردن سردرگمی مردم و افزایش اعتماد عمومی.
- راهبرد تقویت فرایند نظارت و ارزیابی سطوح مختلف از مدیران و همچنین کارکنان در تعامل آن‌ها با ارباب‌رجوع.
- راهبرد کاربست مناسب و مؤثر اصل تشویق و تنبیه در سازمان‌ها و ادارات و حتی در جامعه.

- راهبرد سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مبتنی بر رویکردهای بومی و متناسب با شرایط و ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی.
- راهبرد ایجاد نشاط اجتماعی از طریق فعال‌سازی سازمان‌های مردم‌نهاد بر پایه فرهنگ دینی و بومی و آداب و رسوم و سنت‌های مناطق.
- راهبرد کارآمد سازی روندها و الگوهای خدمت‌رسانی
- بهره‌برداری هدفمند و سازمان‌یافته از شبکه‌های اجتماعی.
- راهبرد آموزش استفاده از دولت الکترونیک و ترویج سواد استفاده از دولت الکترونیک و امکانات آن در بین مردم.
- راهبرد جوان‌گرایی و توجه به مطالبات جوانان و نیازهای آنان (با توجه به ترکیب جمعیت جوان).
- راهبرد توسعه و گسترش ارتباطات و افزایش تماس‌ها و تعاملات اجتماعی در اشکال مختلف.
- راهبرد استفاده از خدمات داوطلبانه مانند بسیج، هلال احمر، وقف و سازمان‌های مردم‌نهاد.
- راهبرد استفاده از ظرفیت خبرگان و نخبگان بومی
- راهبرد آموزش و تولید محتوا درباره سرمایه اجتماعی و تدوین کتاب جامع سرمایه اجتماعی

نتیجه‌گیری

در این پژوهش ضمن بررسی مبانی نظری و ادبیات پژوهشی در حوزه سرمایه اجتماعی در کشور، سعی شد وضعیت سرمایه اجتماعی مشخص شود. سپس در چارچوب مدل مفهومی که با توجه به ادبیات پژوهشی سرمایه اجتماعی و بر اساس روش و نظریه تحلیل لایه‌ای علت‌ها طراحی گردید، عوامل مؤثر بر وضعیت سرمایه اجتماعی در چهار لایه مشتمل بر لایه ابزارها و عملکردها، لایه ساختارها و سیستم‌های اجتماعی، لایه باورها و گفتمان‌ها و لایه نمادها و استعاره‌ها شناسایی و معرفی شد.

در چارچوب روش تحلیل لایه‌ای و بر اساس مدل مفهومی پژوهش اگر به بررسی علل کاهش سرمایه اجتماعی بپردازیم، باید از سطح عینی و قابل رویت حرکت کرد و

به لایه‌های عمیق ناملموس و غیرقابل مشاهده حرکت کرد؛ بنابراین علل را باید در لایه لیتانی (سطح عینی مانند امکانات، ابزارها و عملکردها و نوع مرادوات)، لایه ساختاری و سیستمی (مانند زمینه‌ها و ساختارها و سیستم‌های اقتصادی، اداری، سیاسی، ...)، لایه باورها (مانند دیدگاه‌ها، باورها و اعتقادات) و لایه نمادها و استعاره‌ها (مانند ضرب‌المثل‌ها، الگوهای مورد استفاده، ارزش‌های مورد قبول، ...) جستجو کرد. بر اساس این پژوهش ۲۳ عامل در لایه عینی (لیتانی)، ۲۲ عامل در لایه ساختاری و سیستمی، ۱۴ عامل در لایه باورها و گفتمانی و ۲۲ عامل در لایه نمادی و استعاره‌ای، به‌عنوان عوامل مؤثر بر آینده سرمایه اجتماعی، شناسایی و معرفی شده‌اند.

چنانکه در مدل مفهومی پژوهش توضیح داده شد، اگر بنا باشد زمینه ارتقا سرمایه اجتماعی را فراهم‌سازیم باید تأثیرگذاری را از لایه‌های عمیق شروع و به سمت لایه سطحی حرکت کنیم؛ یعنی لازم است در لایه نمادها، استعاره‌ها و باورها تغییراتی ایجاد شود و بر پایه آن‌ها در لایه ساختاری و سیستمی و سطح عینی نیز اصلاحات و تغییرات باهدف ارتقا سرمایه اجتماعی ایجاد شود. بر این اساس منطبق بر لایه‌های مختلف مدل مفهومی پژوهش پیشنهاد این است که برای ارتقاء سرمایه اجتماعی و تلاش برای تأثیرگذاری بر وضعیت سرمایه اجتماعی، اجرای راهبردها و راهکارهای عملیاتی مبتنی بر آن‌ها از لایه‌های عمیق یعنی لایه استعاره‌ها و باورها گفتمان‌ها آغاز و به لایه‌های ساختارها و عملکردها امتداد یابد. در این پژوهش نیز با این رویکرد راهبردهایی پیشنهاد شده است که بر اساس آن‌ها لازم است در هر یک از لایه‌ها اقداماتی به شرح زیر صورت گیرد تا سرمایه اجتماعی ارتقاء یابد. این تغییرات در هر لایه به ترتیب از لایه‌های عمیق به لایه‌های سطحی و عینی شرح زیر است:

در لایه نمادها و استعاره‌ها: در این لایه لازم است نمادها و استعاره‌های تولید و ساخته‌شده و پرداخته شود و ترویج گردد که وضع را در سطح کلان و نسبت به آینده امیدوارکننده نشان دهد و در سطح روابط افراد و سازمان‌ها، سازمان‌ها را در خدمت مردم نشان دهد و در سطح روابط بین فردی حفظ این روابط را لازمه بقا و سعادت اجتماعی معرفی کند. در این لایه مسئولیت مهم بر عهده هنرمندان و نهادهای فرهنگی است که با خلق آثار، دنیایی از کلام و معنا را در یک اثر هنری انعکاس دهند و در جان‌ودل‌ها بنشانند.

در لایه باورها و گفتمان‌ها: در این لایه باید تلاش شود تا باورها درباره دولت، نمایندگان دولت، مدیران و مسئولان اصلاح شود. باور مردم به گونه‌ای اصلاح شود که سازمان‌ها، شرکت‌ها و تولیدکنندگان داخل را نه سازمان‌هایی منفعت‌جو بلکه سازمان‌ها و تشکیلاتی در خدمت مردم و جامعه بدانند. در این سطح مسئولیت اصلی بر عهده نهادهای آموزشی، متفکران و روشنفکران جامعه است. آن‌ها می‌توانند با آموزش و طرح دیدگاه‌های خود، دیدگاه‌های ناصواب درباره وضع جامعه، نهادها و مسئولان دولتی، سازمان‌ها و نهادها و ادارات و روابط بین فردی و اجتماعی را اصلاح کنند و از این طریق به ارتقا سرمایه اجتماعی کمک کنند.

در لایه ساختاری و سیستمی: اصلاح سیستم‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اداری، ضروری است. این بخش به عهده نهادهای وضع‌کننده قانون و مقررات، مجریان و تصمیم‌گیران و نهادهایی قضایی و نظارتی است. آن‌ها با تصویب و اجرای قوانین و مقررات و نظارت بر حسن اجرای آن‌ها می‌توانند به اصلاح سیستمی دست بزنند و با بهبود و ارتقا کارکرد سیستم‌های مختلف امکان و زمینه ارتقا سرمایه اجتماعی را فراهم آورند.

در لایه عینی (لیتانی): لایه لیتانی همان سطح و لایه عینی است. در این لایه امکانات و ابزارها، محدودیت‌ها و عملکردها مورد توجه قرار می‌گیرند. در این لایه لازم است هر آنچه برای کمک به ارتقاء سرمایه اجتماعی لازم است فراهم شود. رسانه‌ها در این لایه نقش مهمی بر عهده دارند آن‌ها می‌توانند با دیدبانی و رصد کردن وضعیت‌ها در مسائل و حوزه‌های مختلف کمبودها را انعکاس دهند و مسئولان مربوطه را وادار به پرداختن و اقدام در جهت رفع کمبودها نمایند. همچنین می‌توانند فرصت‌هایی که وجود دارد اما مورد غفلت قرار گرفته معرفی کنند تا مسئولان به آن توجه نمایند.

چنانکه پیداست با پیوند خوردن این چهار لایه مجموعه توانمندی‌ها باید بکار گرفته شود تا به ارتقاء سرمایه اجتماعی مدد رسانده شود؛ بنابراین پیشنهاد این است که مجموعه راهبردهای ارائه‌شده در لایه‌ها و حوزه‌های مختلف، مرتبط باهم و در چارچوب یک راهبرد کلان و یکپارچه، به نام راهبرد یکپارچه ارتقاء سرمایه اجتماعی در نظر گرفته شود و تمامی سازمان‌ها و دستگاه‌های رسمی و غیررسمی با مشارکت با یکدیگر و همسو و هم‌جهت، به ارائه راهکارهای عملیاتی برای اجرایی شدن راهبردهای پیشنهادی

مربوط به حوزه خود بپردازند. در این صورت است که اجرای راهبردها می‌تواند تأثیر چشم‌گیری در ارتقاء سرمایه اجتماعی داشته باشد.

نکته حائز اهمیت آن است که جبران کاستی‌های سرمایه اجتماعی در کوتاه‌مدت میسر نیست و تلاش برای ارتقاء این سرمایه در کوتاه‌مدت به نتیجه مطلوب نمی‌رسد. از این‌رو اگر انتظار ارتقاء سرمایه اجتماعی را داریم باید ضمن انجام دادن تمام اقدامات و اجرای راهبرد در یک چارچوب یکپارچه، دوره طولانی نیز انتظار کشید. از سوی دیگر استمرار و تداوم برنامه‌ها و اقدامات لازم است. قطع و وصل کردن برنامه‌ها و تغییرات پی‌درپی مانع به ثمر نشستن اقدامات می‌شود. با استمرار بخشیدن برنامه‌ها در لایه‌های مختلف و تحمل یک انتظار می‌توان به نتیجه‌بخش بودن اقدامات در جهت ارتقاء سرمایه اجتماعی امیدوار بود. از این‌رو پیشنهاد می‌شود برای ارتقاء سرمایه اجتماعی، اجرای راهبرد را به‌گونه‌ای طراحی و اجرایی کنیم که مداوم باشد، و با جابجایی مدیران و مسئولان، مدیران و مسئولان جدید ملزم به تداوم بخشیدن راه آغاز شده برای ارتقاء سرمایه اجتماعی باشند. در این جهت اگر لازم است مقررات و قوانینی وضع شود و یا ساختار پایدار و مداومی ایجاد شود که با تغییر مدیران و مسئولان تغییر نیابد.

نکته بااهمیت دیگر در فرایند اجرای راهبردها مسئله بازخورد گیری است. اگرچه موفقیت در اجرای راهبردها برای ارتقاء سرمایه اجتماعی به استمرار و پرهیز از تغییر سیاست‌ها و برنامه‌ها نیاز دارد، اما لازم است با ارزیابی تأثیرات و نتایج اجرای راهبردها و بررسی پیامدها و بازخوردهای مثبت و منفی آن نسبت به بازبینی و بازنگری در برنامه‌ها در صورت ضرورت اقدام شود. از طرف دیگر سرمایه اجتماعی ماهیتی سیال و پویا دارد و تحت تأثیر عوامل مختلف قرار می‌گیرد و بالا و پایین می‌شود؛ بنابراین هم‌زمان با اجرای راهبردهای ارتقاء سرمایه اجتماعی، سنجش و ارزیابی مستمر تأثیرات اجرای این راهبردها و رصد وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران ضروری به نظر می‌رسد. از این‌رو ایجاد ساختار و تشکیلاتی برای بررسی و ارزیابی پیامدهای اجرای راهبردهای ارتقاء سرمایه اجتماعی و رصد و دیدبانی مستمر وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران پیشنهاد می‌شود.

نکته و پیشنهاد پایانی اینکه، مدل مفهومی این پژوهش که برای ارتقاء سرمایه اجتماعی ارائه شده، مدلی ترکیبی است که از ترکیب نظریه عمومی سرمایه اجتماعی و

نظریه و روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها حاصل شده است. با توجه به ابعاد عینی و ذهنی عوامل شکل‌دهنده سرمایه اجتماعی، و با توجه به اینکه در نظریه و روش تحلیل لایه‌ای برای ساخت وضعیت‌های آینده به هر دو بعد عینی و ذهنی توجه و تأکید شده است، به کارگیری این مدل ظرفیت بالایی برای ارائه راهبرد برای تأثیرگذاری بر سرمایه اجتماعی و ارتقاء آن دارد. لذا می‌توان با بکار بستن آن در سطح ملی نیز در جهت ارتقاء سرمایه اجتماعی در کشور اقدام کرد. از این‌رو استفاده از آن توسط سازمان‌های ذی‌ربط ملی، برای ارزیابی سرمایه اجتماعی در سطح ملی، و شناسایی عوامل مؤثر بر وضعیت سرمایه اجتماعی و راهبردهای ارتقاء آن در سطح ملی پیشنهاد می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

- | | |
|------------------------|---------------------------|
| 1. Bourdieu | 2. Coleman |
| 3. Alternative futures | 4. Litany |
| 5. Systemic Causes | 6. Worldviews Distinction |

منابع

- زاهدی، م؛ شیانی، م. و علی پور، پ. (۱۳۸۸). رابطه سرمایه اجتماعی با رفاه اجتماعی. *رفاه اجتماعی*، د ۸، ش ۳۲، ص ۱۰۹-۱۳۰.
- سیاه‌پوش، ا. (۱۳۸۷). فرا تحلیل مطالعات سرمایه اجتماعی در ایران: موج دوم، *راهبرد فرهنگ*، د ۱، ش ۳، ص ۱۲۴-۹۹.
- شیانی، م؛ موسوی، م. و مدنی فهقرخی، س. (۱۳۸۸). سرمایه اجتماعی جوانان در ایران، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، د ۱۰، ش ۳، ص ۸۴-۵۷.
- صالحی امیری، ر. و امیر انتخایی، ش. (۱۳۹۲). راهکارهای ارتقای سرمایه اجتماعی در کشور با توجه به سند چشم‌انداز بیست‌ساله نظام، *فصلنامه علمی راهبرد*، د ۲۲، ش ۱، ص ۸۴-۶۲.
- صفدری، م؛ کریم، م. و خسروی، م. (۱۳۸۷). بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی ایران، *فصلنامه اقتصاد مقداری*، د ۲، ش ۲، ص ۶۱-۳۹.
- عبداللهی، م؛ موسوی، م (۱۳۸۶). سرمایه اجتماعی در ایران؛ وضعیت موجود، دورنمای آینده و امکان شناسی گذار، *رفاه اجتماعی*، د ۶، ش ۲۲، ص ۲۳۴-۱۹۵.
- عذارینی، ع، خیری، ح. و ازدری زاده، ح. (۱۴۰۰). تحلیل سیاست‌های فرهنگی تأثیرگذار نظام جمهوری اسلامی ایران بر حفظ سرمایه اجتماعی در استان خوزستان، *مطالعات توسعه*

- اجتماعی/ایران، د ۲، ش ۱۳، ص ۲۹۶-۳۰۷.
- عنایت اله، س. (۱۳۸۸). تحلیل لایه‌لایه‌ای علت‌ها: نظریه و مورد کاوی یک روش‌شناسی یکپارچه و متحول ساز آینده پژوهی (مجموعه مقالات)، ترجمه مسعود منزوی، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، جلد اول و دوم.
- غفاری، غ. (۱۳۹۴). سنجش سرمایه اجتماعی کشور (موج دوم). انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و ارتباطات.
- غفوری، م. و جعفری، ر. (۱۳۸۷). سرمایه اجتماعی، جامعه مدنی و دموکراسی؛ رابطه متقابل یا یک‌سویه، پژوهشنامه علوم سیاسی، د ۳، ش ۲، ص ۲۳۸-۲۰۹.
- قاسمی، حاکم؛ نیکویه، مهدی؛ شیرویه پور، شهریار؛ کشاورز ترک، عین‌الله (۱۴۰۰). بررسی و تحلیل وضعیت سرمایه اجتماعی برای سیاست‌گذاری در آینده (مورد مطالعه: استان قزوین)، مدیریت سرمایه اجتماعی، زمستان، ۲۴: ۳۴-۶۷.
- قاسمی، و؛ اسماعیلی، ر. و ربیعی، ک. (۱۳۸۵). سطح‌بندی سرمایه اجتماعی در شهرستان‌های استان اصفهان، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، د ۲۳، ش ۲۳۵-۲۴۸.
- قریشی، م؛ هاشمی، م؛ امینی سابق، ز. و ساده، ا. (۱۴۰۰). فهم سرمایه اجتماعی بین‌سازمانی در دستگاه‌های اجرایی با رویکرد داده بنیاد. مدیریت سرمایه اجتماعی، د ۳، ش ۱، ص ۴۵۱-۴۷۶.
- کامران، ف. و ارشادی، خ. (۱۳۸۷). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی شبکه و سلامت روان، فصلنامه پژوهش اجتماعی، د ۲، ش ۳، ص ۵۴-۲۹.
- محسنی تبریزی، ع. و آقا محسنی، م. (۱۳۸۹). بررسی نقش سرمایه اجتماعی در توسعه شهری؛ مورد پژوهی: شهر محلات، مدیریت شهری، د ۸، ش ۲۶، ص ۱۶۲-۱۴۷.
- معمار زاده، غ؛ عطایی، م. و اکبری، ا. (۱۳۸۸). بررسی نقش سرمایه اجتماعی بر بهبود عملکرد کارکنان، فصلنامه مدیریت توسعه و تحول، د ۱، ش ۳، ص ۹-۱۵.
- ملکی، ا. و نژاد سبزی، پ. (۱۳۸۹). رابطه مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی خانواده با خشونت خانگی علیه زنان در شهر خرم‌آباد، مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، د ۱، ش ۲، ص ۵۳-۳۱.
- نوغانی، م؛ اصغر پور ماسوله، ا؛ صفا، ش. و کرمانی، م. (۱۳۸۷). کیفیت زندگی شهروندان و رابطه آن با سرمایه اجتماعی در شهر مشهد، مجله علوم اجتماعی (دانشگاه فردوسی مشهد)، د ۵، پنجم، ش ۱، ص ۱۴۰-۱۱۱.
- جوکار، حامد (۱۴۰۰). روش حکومتی پیامبر(ص) در مدیریت سرمایه اجتماعی، مدیریت سرمایه اجتماعی، ۸(۱) ۱۲۳-۱۴۹.

- Adam, F., & Rončević, B. (2003). Social capital: recent debates and research trends. *Social science information*, 42(2), 155-183.
- Bourdieu, P. (1986) *The forms of capital*. In handbook of theory and research for the sociology of education. J. Richardson (Eds). New York: Greenwood Press: 241-258
- Coleman, J. S. (1988). Social capital in the creation of human capital. *American journal of sociology*, 94, S95-S120.
- Fedor, C. G. (2019). Social Capital and Community Development: Case Study. *Social Research Reports*, 11(1), 65-77.
- Hoffman, J. (2012). Unpacking images of China using causal layered analysis. *Journal of Futures Studies*, 16(3), 1-24.
- Inayatullah, S. (2008). *Six pillars: futures thinking for transforming. Foresight*.
- Inayatullah, S. (2013). *Futures studies: theories and methods. There's a future: Visions for a better world*, 36-66.
- Kawachi, I., Subramanian, S. V., & Kim, D. (2008). *Social capital and health. In Social capital and health* (pp. 1-26). Springer, New York, NY.
- Rodgers, J., Valuev, A. V., Hswen, Y., & Subramanian, S. V. (2019). Social capital and physical health: An updated review of the literature for 2007–2018. *Social Science & Medicine*, 236, 112360.
- Slaughter, R. A. (2008). What difference does 'integral' make?. *Futures*, 40(2), 120-137.

Strategies to build up social capital in Iran: The application of Future- oriented approach of Casual Layer Analysis

Ghasemi, Hakem^{1*}

Nikooye, Mahdi²

Shirooyehpour, Shahriar³

Abstract

With increasing complexity and uncertainty in the various processes of human societies, predicting the future by generalizing past trends, seems to be unwise and almost impractical. Therefore, instead of relying on one status of the future, futurists tend to study alternative futures and present future-oriented strategies to predict the future. The purpose of this study is to explain and categorize strategies for uplifting social capital in four layers: litany, social, discourse and metaphor based on Casual Layer Analysis method. The innovation in this method, is to move from the present to the future by identifying the root factors of a phenomenon in four layers. Through identifying the factors affecting a phenomenon future, we can formulate strategies for acting in present and move from future to present. In this study, in order to identify the main causes of social capital decline, we formed an online expert's panels in four stages, comprising of fourteen persons. Findings indicated that, 8 strategies at the level of symbols and metaphors, 13 strategies at the level of beliefs and discourses, 27 strategies at the level of structures and 31 strategies at the litany level has to be applied for formulating and implementing the necessary policies to increase social capital.

Keyword: Social Capital, Casual Layer Analysis, Strategy Making, Futures studies.

1. Associate Professor, Department of Futures Studies, Faculty of Social Sciences, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran Mahdi.Nikooye@gmail.com

2. PhD of Futures Studies Faculty of Social Sciences, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran

3. . PhD Student in Future Studies, Faculty of Social Sciences, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran